



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۲۴

رحمت الله نبیل

نامه رحمت الله نبیل به عبدالله عبدالله

(ترجمه: اگر پرسیده شود چرا کسانی را موعظه می‌کنید که خدا قطعاً مجازات و عذابشان خواهد کرد، موعظه‌گران گفتند عذری است تا خدا ما را به گناه آنان نگیرد، شاید هم پند ما در آنان درگیرد (سوره اعراف ۱۶۴)

مکن که کوکبه دلبری شکسته شود
چو بنده‌گان بگریزند و چاکران بجهدند
«حافظ»

جناب داکتر صاحب عبدالله عزیز!

شکوائیه انتخاباتی شما را که شریک پنجاه فیصدی حکومت وحدت ملی هستید از حکومت خودتان شنیدم، با این‌که می‌دانید به بسیاری از خصایل شخصی و شخصیتی شما احترام دارم، به نجابت و رعنائی و فرهنگمداری شما عمیقاً باور دارم و وطن‌دوستی و متانت توأم با گذشت شما زبان‌زد است، اما شکوائیه همراه با خشم و جدیت شما بیش از این‌که جالب باشد، به هجو می‌ماند. حکایتی از گلستان سعدی به یادم آمد:

حکایت (۵)

جالینوس ابلهی را دید دست در گریبان دانشمندی زده و بی‌حرمتی همی‌کرد. گفت: اگر این دانا بودی، کار وی با نادان بدین‌جا نرسیدی.

دو عاقل را نباشد کین و پیکار
نه دانایی ستیزد با سبکبار
وگر بر هر دو جانب جاهلانند
اگر زنجیر باشد بگسلانند

داکتر صاحب گرامی، می‌دانم که حافظه خوبی دارید، حتماً همان روزهای استعفای من و صحنه تصمیم جدا ساختن راهم را از حکومت وحدت ملی و ترجمه نمودن استعفایم را به انگلیسی به خاطر دارید. حتماً به یادتان هست که همین شکایت‌های شما را می‌گفتم و شما حتی حمایت نمی‌کردید. از فروخته شدن کیلومترها خاک وطن در سرردها، از معاهده‌ها و معامله‌های ننگین با همسایه شرور، اسناد داده و فریاد زدم و شما ندیده گرفتید. این جوش و خروش وطن‌دوستی را اگر به وقتش از همان اوایل بیست درصد به کار می‌بردید، به هیچ صورت حال افغانستان در وضعیت اسفبار فعلی قرار نمی‌داشت. اگر این غریب و خروش وطن‌دوستی‌تان مؤثر قرار نمی‌گرفت، مطمئن هستم که استعفای به وقت و زمان‌تان جهت حفظ منافع ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی از تدویم عمر سیاسی پنجاه درصدی شریک انحصارگرا و عوام‌فریب‌تان جلوگیری می‌کرد و باعث ایجاد بدیل مشروع می‌گردید و حال وضعیت کشور تا به این‌جا کشانیده نمی‌شد که طالبان، پاکستان و امریکا پشت درهای بسته در مورد قربانی گذشته و آینده افغانستان تصمیم بگیرند و صاحبان اصلی وطن از آن آگاه نباشند.

حتماً به یادتان هست که من در تمام موارد ملی و مهم کشوری از قبیل امضای پنهانی، از معاملات پنهانی با دشمنان داخلی و خارجی، بحث‌ها و مشوره‌های مستقیم و محرم تلفنی در موارد مختلف من جمله نصب سیم‌دار بین چهار دیواری ارگ و دشمن ازلی افغانستان در راولپندی، به شما گزارش دادم. همان‌طور که از ده‌ها مورد فساد اداری و وحشتناک بعضی اراکین حکومت قبلی که به متحدین و اراکین حکومت وحدت ملی تبدیل شده بودند (همان ۱۷۰۰ پرونده فسادهای بزرگ) و به طور مفصل درباره برنامه انتقال جنگ به صفحات شمال کشور از جانب دشمنان داخلی و بیرونی افغانستان به شما گفتم، از جانب دیگر ارایه راپورهای پلان‌های درازمدت دشمن برای سقوط ولایت کندز و چگونه‌گی سقوط آن و سناریوهای فاجعه‌بار دفتر شورای امنیت ملی و

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

راپورهای من در مورد برنامه‌های منظم دشمن داخلی و بیرونی جهت ایجاد شگاف‌های اجتماعی و دامن زدن به تعصبات قومی، زبانی، فکری و نسلی از آدرس‌ها و پول‌های حکومتی را امیدوارم فراموش نکرده باشید. خوب به یاد دارم که چندین بار خاطر نشان ساختم که «شما من حیث کسی که خود را وارث مجاهدین و تمام مردم افغانستان می‌دانید، باید آگاه باشید و در مورد موقف بگیرید.» اما دریغ از موقف، دریغ از حنا توجهی اندک. شما و شریکتان به خاطر حفظ آبروی خویش، آبروی افغانستان را به حراج گذاشتید. حتماً یادتان هست که در مجلس شورای امنیت گزارش دادم که دشمن برنامه دارد تا اردوی ملی را به یک جنگ فرسایشی سوق دهد! این وظیفه من بود که به شما به عنوان یکی از دو رهبر دولت، گزارش بدهم و وظیفه شما البته فقط گرفتن گزارش نبود؛ شما به اندازه سهم خود هم که حمایت می‌کردید، وضع مملکت به از این بود.

داکتر صاحب، به اندازه‌ای که شما به مسایل تدارکات علاقه داشتید - آیا در هیچ کدام از مجالس تدارکات غیر حاضر بودید؟ - اما یک دهم آن توانستید که باعث تطبیق یک بند فقط یک بند تفاهم‌نامه تشکیل حکومت شوید؟ شما بودید که در هیچ مورد موقف نگرفتید! شما بودید که نتوانستید حتماً نزدیک‌ترین متحدان‌تان را که در مقابل تمام بی‌عدالتی‌های انتخاباتی همراهان با جدیت ایستاده‌گی کردند و جهت اعاده حقوق شخصی‌تان حتماً با قبول نمودن تعطیلی قانون اساسی و تشکیل حکومت وحدت ملی به شما من حیث رهبر برخاسته از متن مجاهدین و مردم دیدند و صاحب دفتر و دیوان‌تان ساختند، حمایت کنید. آیا متحدان مردمی‌تان را و هم متحدان فردی‌تان را در این پنج سال خبر گرفتید؟ فکر نمی‌کنید چرا هیچ‌کدام از همراهان قبلی با شما نیستند، نه معاونان و نه متحدان و نه حامیان سیاسی؟ چون شما به همه‌ی آن‌ها بی‌توجهی کردید، همه را تنها ماندید در صحنه نمایش تحقیری که شریکتان تدارک دیده بود. چون دیدند که حتماً از کاراثرین اعضای کابینه‌ات، حمایت نکردید. از عثمانی، از داکتر سبا، از داکتر وحیدی که زندانی شد و بعد بی‌گناه اعلام شد، از ده‌ها وزیر و کادر ورزیده و پاک، از جنرال ظاهر ظاهر تا به جنرال دادان لونگ که مورد غضب و خشم، خودخواهی و جنون قانون‌شکنی شریک دیگر قدرت قرار گرفتند، دفاع کرده نتوانستید یا نخواستید دفاع کنید یا جگر دفاع نداشتید.

شما اپوزیسیون نیستید، شما شریک قدرت هستید و باید پاسخ بدهید که رای از مردم بادغیس، هرات، غور و پکتیا و قندهار و... گرفتید، اما در کدام قسمت از تصمیم‌گیری‌ها آن‌ها را شریک ساختید؟ اقوام شریف ترکمن امروز یادتان آمد که جوانان را با لباس مقبول ترکمنی ما زینت‌بخش استیج سخنرانی‌تان بسازید؟ در کدام مورد صدای درد و رنج‌شان را شنیدید؟ وقتی قریه‌به‌قریه مناطق ترکمن‌نشین از تشنگی و فقر می‌سوخت، وقتی تروریست‌ها در آنچه و مردیان و قرقین و خماب و شورپه و غیره، نان و ناموس مردم را به تاراج می‌بردند، هیچ به یاد شما آمدند؟ موی سفیدان شینوار را که داعش - این گروه جعلی - تکه‌تکه کرد، مادران افغانستان که شصت هزار جوان را برای دفاع از حکومت‌تان قربانی دادند و گوشت بدن‌های پارمپاره‌شان را دوباره در جوال تحویل گرفتند، شما حتماً زبان‌تان را تکان ندادید. زمانی که در مقابل مدنی‌ترین و برحق‌ترین حرکت‌های مدنی از بی‌رحمانه‌ترین لجاجت و شقاقیت کار گرفتند، یا در حقیقت گرفتید، زمانی که بهترین افسران مسلکی و وطن‌دوست نظامی ما به بهانه‌های مختلف خانه‌نشین شدند، شما کجا بودید؟ شما حتماً نماینده پنجشیر هم نبودید، اگر نه یک جنرال تحصیل‌یافته پنجشیری در بهترین آکادمی دنیا را در چهل و پنج ساله‌گی متقاعد نمی‌کردند. زمانی که متحد فعلی و رقیب قبلی‌تان من حیث معاون اول حکومت وحدت ملی‌تان توهین، تحقیر، شکار توطیه و خانه‌نشین گردید، شما کلمه‌ای به زبان رانیدید؟

این چه جریان سیاسی است که بر فکر بنا نشده، بر معامله استوار است و سرانجام چنین جریانی معلوم است، چه تضمینی دارد که دوباره یاران‌تان را به پرتگاه استفاده ابزاری نبرید؟

این‌که به هزارها کیلومتر مربع خاک ما را به بهانه سیم خاردار جهت جلوگیری از ورود تروریسم به دشمنان افغانستان تحویل دادند، چرا یک روز ایستاد نشدید و به سرقوماندان اعلا و مشاور امنیت ملی‌اش نگفتید که استراتژی جنگ‌تان درست نیست؟ چرا پالیسی امنیتی را نقد نکردید؟ در آن زمان در تمام موارد ملی ذکر شده سکوت اختیار کردید و آن را بنا بر مشوره به اصطلاح دوستان بین‌المللی «مصلحت ملی» خواندید و فقط یادداشت گرفتید تا در کمپین‌های این دور انتخابات از آن استفاده ابزاری کنید. شما شریک قدرت و تصامیم بزرگ وطن بودید، نه کاتب و عریضه‌نویس ارگ! کاش شما شجاعت ایستادن داشتید! کاش شجاعت دفاع از رأی مردم و حق خود را می‌داشتید! حق دیگران به کنار...

آقای عبدالله! شما قسم خورده بودید و وظیفه‌تان ضمانت جان و مال و ناموس مردم بود. اگر نمی‌توانستید، باید استعفا می‌کردید، نه این‌که بعد از پنج سال اربابی و استفاده از همه مواهب قدرت، امروز گناه را یکی به گردن دیگری بیندازید.

اگر در آن زمان استعفا می‌دادید و اگر احیاناً حکومت وحدت ملی معیوب (به اصطلاح شریک قدرت‌تان، یک پای و یک دست بسته) تا به حال دوام هم می‌کرد، بدون تردید شما حال رهبر «بديل در حال انتظار» می‌بودید و نه تنها این‌که متحدان قبلی‌تان را از دست نمی‌دادید، بلکه متحدان جدید را بر تعداد آن‌ها علاوه می‌کردید. افغانستان را همیشه رهبران جسور و صادق با مردم نجات داده‌اند. رهبران ناجی چالش‌ها را به فرصت‌ها تبدیل می‌کنند، نه عکس آن را. بزرگوار دیگر با تيمش با تمام توان وطن را به ورطه هلاکت سوق دادند، ولی شما فقط نظاره‌گر ماندید.

یاران جدیدتان باید از سرنوشت یاران سابقه‌تان پند گرفته باشند. این کشتی شکسته به جایی نمی‌رسد. دیگر دوران تهییج احساسات قومی برای منافع شخصی به سر رسیده است. اگر دفعه‌های قبل هم به جای ادعای جنگ داخلی به نخبه‌گان و فرهنگیان و جوانان دانشمند رجوع می‌کردید، وضع چنین نبود. متأسفانه هیچ‌کدام از نخبه‌گان و اهل فکر و فرهنگ جوان به جانب شما راه ندارند. شما جز حلقه حزبی آن هم با تعاریف کوچکی که دارید، روزنه‌ای برای دیگران خالی نگذاشته‌اید. برای جنگ همه را به قتلگاه می‌برید و در قدرت جز حلقه محدودتان کسی را نمی‌بینید. این را همه هوشیاران نسل جدید این سرزمین در داخل و خارج دیده‌اند. برای نزدیکان‌تان گلو پاره می‌کنید و برای وحیدی و جنرال ظاهر و جنرال دادان حتا به تماشا نمی‌آیید. دوران شما به سر رسیده و باید قبول کنید. باید اگر هنوز وطن را دوست دارید، به خاطر آینده این وطن، میدان را به جوانان وطن‌پرست و توانا خالی کنید، اگر نه به صورت تلخ از میدان بیرون رانده می‌شوید. در آخر، دوباره چون می‌دانم ادبیات را دوست دارید، شما را به صحبتی از شیخ سعدی ارجاع می‌دهم:

«یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند، چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.»

راستی فراموش کردم در تمامی مسایل فوق «اتمر صاحب شاهد است!»

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال

و ما علینا الا البلاغ

با تشکر از ۸ صبح